

**امام خمینی در بین مراجع بی‌نظیر بود**

نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، حرکتی بود که تقریباً از سال 42 کلید خورد و با فراز و فرودهایی ادامه یافت تا نهایتاً در بهمن سال 57 به پیروزی رسید.



نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، حرکتی بود که تقریباً از سال 42 کلید خورد و با فراز و فرودهایی ادامه یافت تا نهایتاً در بهمن سال 57 به پیروزی رسید. آیت‌الله محسن مجتهد شبستری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با جام‌جم و زنج‌انگاره، به تشریح چگونگی وقوع انقلاب اسلامی، شرایط رهبری امام، وضعیت حکومت پهلوی، تأثیر قیام 19 دی قم و 29 بهمن تبریز و افراط و تفریط زنج‌انگاره‌ها، در حوزه دین و روحانیت پرداخت. آنچه می‌خوانید مشروح این گفت‌وگو است.

مردم ایران قبل از پیروزی انقلاب 57 در چند مرحله قیام زنج‌انگاره‌ها و جنبش زنج‌انگاره‌ها را علیه حاکمیت رقم زدند، اما از موفقیت‌چندانی برخوردار نبودند. با توجه به چنین سابقه زنج‌انگاره‌ها، آیا با شکل زنج‌انگاره‌ها، گفیری نهضت انقلابی و اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی شما گمان می‌کنید که این انقلاب به پیروزی برسد؟

تصور می‌کنم که بیشتر مردم این دیدگاه را داشتند که شرایط خاصی در ایران حاکم بود. رژیم ستمشاهی تجهیزاتی جهنمی داشت و از نظر ظاهر قوی و از پشتیبانی ابرقدرت زنج‌انگاره‌ها برخوردار بود. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که این انقلاب به پیروزی برسد و این تفکر در میان مردم وجود داشت. مثلاً در واقعه 15 خرداد هزاران نفر در پشتیبانی از امام و مرجع تقلیدشان به درجه شهادت رسیدند و از این رو این گمان پیش آمده بود که این تلاش با توجه به آن جنایت، نتیجه زنج‌انگاره‌ها به دست نداد. اما به مرور زمان در مردم بیداری به زنج‌انگاره‌ها وجود آمده و امام رضوان زنج‌انگاره‌ها... علیه با این زنج‌انگاره‌ها که در تبعید بودند، اما آثار رهبریشان روز به روز آشکارتر و از سوی دیگر جنایات شاه روزافزون می‌شد. آگاهی مردم هم بر اثر روشنگری زنج‌انگاره‌ها، امام(ره) و شاگردان ایشان و روحانیت آگاه بالاتر می‌رفت. این روند باعث افزایش سطح امید در دل مردم شد. بنابراین، بارقه زنج‌انگاره‌ها امید بتدریج ایجاد شد، اما در اوایل شکل‌گیری نهضت و سال زنج‌انگاره‌ها 42 و 43 من هم مثل مردم دیگر این امید را نداشتیم. این مسیر ادامه پیدا کرد تا این زنج‌انگاره‌ها که از سال 56 این امید تبدیل به اطمینان خاطر شد. البته در این مقطع هم برخی این تصور را داشتند که شاید نتوان انتظار داشت انقلاب صددرصد به پیروزی برسد، اما در مجموع مردم بسیار امیدوار بودند و الحمداً... به فضل پروردگار امید تبدیل به یاس نشد و انقلاب به پیروزی رسید.

در سوال قبل اشاره شد که جنبش زنج‌انگاره‌ها و قیام زنج‌انگاره‌ها، در پیروزی انقلاب در ایران شکل گرفت که در برخی از آنها نیز روحانیت حضور موثر نداشت، اما هیچ زنج‌انگاره‌ها که دام به پیروزی نهایی نرسید. دلایل ناکامی این جنبش زنج‌انگاره‌ها چه بود و چرا انقلاب پیروز شد؟

دلیل این زنج‌انگاره‌ها که انقلاب اسلامی به ثمر نشست به خاطر امتیازهایی بود که در قیام زنج‌انگاره‌ها و انقلاب زنج‌انگاره‌ها دیگر وجود نداشت. بعد از شکل‌گیری مشروطیت بعدها این انقلاب و نهضت تحریف شد. از سوی دیگر این جریان از رهبری آگاه و با استقامتی مثل امام برخوردار نبود و مردم نیز اتحاد و انسجام کافی را نداشتند، هیأت حاکمه نیز در برابر مردم قوی بود. در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز همین خصوصیات وجود داشت و رهبران و مردم از انسجام کافی و اتحاد لازم برخوردار نبودند. اما انقلاب اسلامی ایران رهبری مثل امام داشت. گرچه در زمان غیبت حضرت ولی عصر(عج) ما مراجع زیادی داشتیم ولی مرجعی که دارای بینش سیاسی فوق‌العاده باشد و مدیریت، دوربینی را در کنار علمیت، فقاقت و اعلمیت داشته باشد وجود نداشت. از این جهت امام خمینی از زمان غیبت کبری تا روزگار انقلاب در بین مراجع بی‌نظیر بود. مراجع گذشته هم زحمات زیادی را کشیده بودند، اما به لحاظ بینش سیاسی مثل امام نبودند. دیگر این زنج‌انگاره‌ها که امام را تبعید کردند و ایشان 19 سال را در تبعید به سر برد. مساله تبعید مرجع به تنهایی برای مردم موضوعیت دارد. روشنگری زنج‌انگاره‌ها، شاگردان امام مثل شهید مطهری زنج‌انگاره‌ها و شهید بهشتی زنج‌انگاره‌ها و دیگر بزرگانی که در مکتب امام تربیت شدند در بیداری مردم تأثیر داشت. از سوی دیگر جنایات رژیم پهلوی از جنایات تمام سلاطین گذشته بیشتر بود و به بیگانگان وابسته بودند. آنها با اقدامات خود کشاورزی ایران را فلج کردند. عقب زنج‌انگاره‌ها ماندگی در تمام شئون اقتصادی و فرهنگی وجود داشت و همچنین رژیم پهلوی با ارزش زنج‌انگاره‌ها دینی مبارزه می‌کرد. ایران در آن زمان در ظاهر اسلامی اما در عمل غریزده بود. مردمی که معتقد و پایبند به ارزش زنج‌انگاره‌ها دینی بودند این اقدامات را می‌دیدند. طبعاً در چنین مواردی از یک طرف مردم معتقد و از سوی دیگر روشنگری، استقامت و سازگاری حرف و عمل امام باعث آگاهی روزافزون جامعه شد. روحانیت آگاه مثل

آیت‌الله سعیدی، آیت‌الله غفاری و... در زندان به‌سر می‌بردند که به شهادت رسیدند. رویدادها و جنایاتی مثل واقعه کشتار 17 شهریور، فاجعه سینما رکس آبادان و فجایعی دیگر که در زمان‌های دیگر سابقه نداشت، زمینه اعتراضات عمومی را بیشتر از گذشته فراهم کرد و مردم هم به مظلومیت انقلابیون و هم ستمگری رژیم شاه پی‌بردند. مقدرات این مردم در دوره پهلوی در دستان مستشاران آمریکایی بود. امام را به خاطر سخنرانی علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون به عنوان یک قانون ننگین تبعید کردند. بنابراین همه این مسائل دست به دست هم داد و انقلاب در حالی به ثمر رسید که با دیگر نهضت‌ها و جنبش‌های گذشته قابل مقایسه نبود. با اوجگیری اعتراضات، شاه مجبور به فرار از کشور شد و امام نیز در این دوران از نجف به پاریس رفتند و مصاحبه‌های روشنگرانه‌ای را علیه رژیم پهلوی انجام دادند و در نهایت به ایران برگشتند و بعد از ده روز از اقامتشان در کشورمان انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. با پیروزی انقلاب وعده الهی که «ان‌تنصرالله ینصرکم»؛ تحقق پیدا کرد و دین خدا از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار شد. به عبارت دیگر اعتقاد مردم از مرحله آگاهی و امید به منصفه عمل رسید. قیامی که در سال 42 شروع شد با قیام 19 دی 56 اوج گرفت و برگزاری مراسم چهل‌شهدا که به صورت سلسله وار اتفاق می‌افتاد، کمر رژیم پهلوی را شکست و در 22 بهمن انقلاب پیروز شد تا معجزه قرن اتفاق بیفتد.

برخی این تحلیل را دارند که روند قیام تا قبل از سال 56 چنان نبود که رژیم را از سرنگونی نگران کند اما وقوع سلسله‌ی حوادث و رخدادهایی از سال 56 به بعد سیر فروپاشی حکومت پهلوی را تسریع بخشید. به نظر شما اگر به عنوان مثال انتشار مقاله رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات اتفاق نمی‌افتاد و طبعاً باعث پیامدهایی چون قیام 19 دی نمی‌شد آیا انقلاب اسلامی در مقطع 22 بهمن 57 به پیروزی می‌رسید یا وقوع آن به تاخیر می‌افتاد؟

: طبعاً مسبب‌هایی مانند انتشار مقاله جسارت‌آمیز علیه ساحت مقدس امام در روزنامه اطلاعات که باعث بروز قیام 19 دی و برگزاری چهل‌شهدا در تبریز و یزد و کرمان شد در تسریع انقلاب موثر بود، اما بالاخره مردم هم‌زمان با شکل‌گیری نهضت در مسیر آگاهی قرار گرفته بودند و این حوادث هم تشدیدکننده اعتراضات بود و اگر هم اتفاق نمی‌افتاد مثلاً شاید پیروزی انقلاب نهایت یک سال به تاخیر می‌افتاد اما وقوع سرنگونی شاه حتمی بود. وضعیت درونی رژیم از داخل، سامان‌چندانی نداشت و حتی ارتش هم با وجود این‌ها حساب و بیزه‌ای باز کرده بود از انسجام برخوردار نبود. وقتی امام دستور فرار سربازان را از پادگان‌ها داده بود، بسیاری از سربازان آن را عملی کردند. همچنین برخی افسران متدین نیز در بدنه ارتش بودند که دل خوشی نسبت به وضعیت حکومت نداشتند. در 19 بهمن، کادر نیروی هوایی با امام بیعت کردند. بنابراین مسائلی از این دست بیانگر این است که نه تنها توده مردم بلکه نیروی هوایی شاه که دلبستگان فراوانی در داخل و خارج از ایران داشت و معتقد بودند که این نیرو در برابر هر قیام یا انقلاب احتمالی در کنار شاه خواهد ایستاد و معتراضان را نابود خواهد کرد نیز با امام بیعت کرده بود. اینها نشانه‌های فروپاشی رژیم از داخل بود منتها جریان‌های سال 56 به بعد سقوط حکومت پهلوی را سرعت بخشید.

شاه سال 57 صدای انقلاب را شنید. آیا احتمال می‌دهید اگر محمدرضا پهلوی صدای انقلاب را زودتر می‌شنید، می‌توانست از سقوط حکومتش جلوگیری کند؟

حکومت مدت‌ها خود را به تهازل زده بود. گزارش‌های درست و نادرست درباره شرایط کشور و اعتراضات مردمی به‌دست شاه می‌رسید اما در مجموع تصور نمی‌کردند شرایط آن‌قدر حاد و بحرانی باشد. اما با شدت گرفتن اعتراضات مردم، متوجه شدند دیگر ماندن شاه در ایران فایده‌ای ندارد. حتی آمریکا هم به این باور رسید که دیگر صلاح نیست شاه در ایران بماند. در همین زمینه چیز عجیبی شنیدم. برای من نقل کردند که قرار بود شاه و همسرش مثلاً ساعت 10 سوار هواپیما شوند تا از ایران خارج شوند. ساعت 10 و 15 دقیقه رسید. آنها به شاه ایراد گرفتند که دستور ما این بود شما ساعت 10 از ایران خارج شوید و نباید این تاخیر صورت می‌گرفت. معلوم می‌شود که همه چیز با دستور آمریکا بوده و آمریکایی‌ها فهمیده بودند که دیگر حضور شاه در ایران به صلاح او نیست.

قیام 19 دی سرفصل سلسله اتفاقاتی شد که به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد. در چهل‌شهدای این قیام، ما شاهد خیزش مردم تبریز در 29 بهمن 56 بودیم. درباره اهمیت حرکت مردم تبریز توضیح دهید.

یکی از امتیازات مردم آذربایجان غیرت دینی است. البته همه مردم ایران غیور، متدین، متعهد و انقلابی هستند. مردم

آذربایجان اگر احساس کنند کاری به صلاح دین و مملکت است با حدت و شدت برای اجرایی کردن آن اقدام می‌کنند؛ و گذشته هم چنین بوده، مثلاً در حادثه اشغال یکساله آذربایجان (21 آذر تا 25 آذر) از سوی پیشه‌وری و با حمایت شوروی، مردم و علمای آذربایجان با آنها همکاری نکردند و به مقاومت روی آوردند. آنها در جریان انقلاب هم پیشتاز بودند. مرحوم آیت‌الله شهید قاضی‌زاده؛ و طباطبایی آن زمان در راس علمای آذربایجان قرار داشت. آن موقع چند فقیه در آذربایجان مثل حضرات آیات و حجج اسلام انگجی، غروی و انزابی وجود داشتند. مرحوم قاضی طباطبایی ذوب شده در امام خمینی بود. توصیه علامه امینی این بود که در امام خمینی ذوب شوید همان گونه که امام در اسلام

ذوب شده است. شهید قاضی این گونه بود. در ایام انقلاب همیشه در آذربایجان، راهپیمایی، سخنرانی، پخش اعلامیه و... بود و وقوع قیام 19 دی زمینه‌ساز آن را فراهم کرد تا مراسم چهل‌شنبه شهدای این قیام در تبریز برگزار شود. مسجدی را برای برگزاری این مراسم در نظر گرفتند اما به دستور شهرداری در این مسجد بسته شد. مردم دسته دسته به مکان مراسم می‌آمدند اما با در بسته مسجد مواجه می‌شدند. جوانی به نام تجلا به رئیس شهرداری بابت بسته بودن در مسجد اعتراض می‌کرد و اختلاف آنها بالا می‌گرفت و تجلا مشتکی به شهرداری می‌رساند. رئیس شهرداری می‌زند و در واکنش به این کار، رئیس شهرداری با کلت، تجلا را به شهادت می‌رساند. مردم با دیدن این صحنه به خیابان‌ها می‌آیند و تظاهرات عظیمی را به راه می‌اندازند و مشروب فروشی‌ها و مراکز فساد و محل حزب رستاخیز را تخریب می‌کنند. با این اقدام مردم تبریز در 29 بهمن 56، کمر رژیم پهلوی شکست و پیامد آن تعویض استاندار و رئیس شهرداری بود. در این حادثه 14 نفر به شهادت رسیدند.

انقلاب اسلامی شعارهای مشخصی داشت و تلاش انقلابیون هم تحقق آن شعارها بود؛ شعارهایی که می‌توان آن را اهداف و آرمان انقلاب دانست. اکنون نسل اول انقلاب چه پاسخی برای نسل سوم دارد و چه معیاری می‌خواهد به او ارائه کند که با آن مشخص شود تا چه اندازه آن شعارها تحقق پیدا کرده است؟

شعارهایی که آن روز مطرح بود، نسبتاً تحقق پیدا کرده است. استقلال کشور ما کاملاً تضمین شده و زیر آسمان نیلگون، کشوری مستقل؛ تر از ایران وجود ندارد. حتی کشورهای غیرمتعهد هم که مدعی استقلال هستند به نوعی به ابرقدرت‌ها وابستگی دارند. کشور ما هیچ‌گونه وابستگی ندارد. آزادی هم اساساً قابل مقایسه با آنچه در قبل از انقلاب بود، نیست. در شرایط کنونی روزنامه‌ها و رسانه‌ها و فضای مجازی انتقادات خود را آزادانه در میان می‌گذارند. یکی از شعارها، جمهوری اسلامی بود که مردمی بودن آن با برگزاری نزدیک به 40 انتخابات، مسلم است. قبل از پیروزی انقلاب مردم شاهد انتخابات فرمایشی بودند اما در ایران بعد از انقلاب اسلامی مردم‌سالاری محقق شده است.

از نظر امنیت وضعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه فراتر از سایر کشورهاست چون زیر چتر ولایت فقیه قرار دارد. رهبری بالای سر ماست که کشور را آرام نگه داشته است. ولی از حیث اسلامی بودن همچنان مسیر برای تحقق آن ادامه دارد. به قول امام راحل، نسیمی از اسلام در ایران وزیدن گرفته است. نمی‌توان گفت تمام احکام اسلام اجرا می‌شود. امیدواریم خداوند تفضل کند تمام احکام اسلام در کشور ما به مرحله اجرا درآید. کمبودهایی در برخی موارد وجود دارد اما نسبت به رژیم گذشته، وضعیت فعلی اساساً قابل مقایسه نیست. استبداد داخلی و خارجی از بین رفته ولی اشکالات در اجرای احکام اسلام و عدالت اجتماعی وجود دارد. چند وقت گذشته شاهد پرداخت حقوق‌های نجومی بودیم و با این که گفته شده با این روند برخورد می‌شود اما جواب روشنی نشنیدیم. در این زمینه تبعیضاتی وجود دارد. مساله بیکاری همچنان غوغا می‌کند و مشکلات معیشتی مردم زیاد است. وضع تولید به خاطر واردات بی‌رویه و کالاهای قاچاق خوب نیست. اشکالات متعددی در مسائل فرهنگی و اقتصادی وجود دارد و انتظارات مردم و رهبری در این زمینه برآورده نمی‌شود. اما وضعیت فعلی قابل مقایسه با گذشته نیست و در هر صورت در راس هرم ولی فقیه آگاه و هوشمندی قرار گرفته که مایه افتخار است و اکثریت مردم به ولایت فقیه باور دارند اما درباره مسئولان دیگر رضایت کافی ندارند و همچنان انتظاراتی در حوزه مسائل اعتقادی و معیشتی وجود دارد که هنوز حل نشده است. وجود بدحجابی و ولنگاری در امور دینی با احکام اسلام سازگار نیست. دولت هم به خاطر این که جلوی این ولنگاری را نمی‌گیرد بی‌تقصیر نیست و فریضه امر به معروف و نهی از منکر باید جدی‌تر گرفته شود.

به نظر شما نسل اول، دوم و سوم انقلاب به لحاظ رویکردی و رفتاری چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی دارند؟

الحمدلله در نسل سوم انقلاب ما نمادهایی مثل شهید حججی‌ها داریم که مورد اشاره رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفت و ما صدها مثل شهید حججی در این نسل داریم که انقلاب و امام را ندیدند و شاهد خفقان‌ها و

ظلم و این‌گونه؛ طور نیست که اکثریت قاطع جوانان و نسل سوم این‌گونه باشند. ما می‌بینیم که در ورزشگاه‌ها این همه جوان حضور دارند. اگر همه اینها انقلابی بودند واقعا کشور ما گلستان می‌شد. باید کاری کرد که اکثریت قاطع نسل سوم انقلابی و بیدار و با بصیرت باشند. آقا تاکید زیادی دارند که به جوانان بصیرت بدهید. اگر چنانچه اکثر مردم و جوانان از بصیرت کافی برخوردار باشند نتیجه مطلوب و تری در همه امور حاصل خواهد شد. حتی در انتخاب مسئولان و اداره کشور. البته فضای مجازی و ماهواره و اینترنت باعث شد برخی جوانان منحرف یا بی تفاوت باشند. در گذشته این وسایل نبود و جوانان مشغول درس و بحثشان بودند. الان نوجوان ما از مدرسه به خانه می‌آید و در حالی که تبلتی در دستان خود دارد وارد فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای می‌شود. در این فضاها هم شایعات و شبهات فراوانی منتشر و سبب خواهد شد بخشی از جوانان آن‌گونه که باید، ارزشی، صاحب بصیرت و پایبند به ارزش‌های دینی نباشد. دولت محترم باید همت کند و جلوی انحرافات در فضای مجازی را بگیرد. آزادی تا آنجا محترم و مقدس است که در چارچوب ارزش‌های دینی و اخلاقی باشد. وقتی عقاید جوانان در معرض تهدید و خطر قرار دارد، آزادی ارزشی ندارد و بلکه ضد ارزش است. ما مخالف فضای مجازی نیستیم بلکه باید باشد و مفید هم هست؛ اما دولت می‌تواند با انحرافات در این فضاها مقابله کند. در بسیاری از کشورها زمانی که ببینند در فضاها مجازی موارد خلاف مصالح وجود دارد اقدام به فیلتر کردن آن فضا می‌کنند. در ایران هم حتما این رویه باید دنبال شود. در نقطه مقابل، صداوسیما هم باید برنامه‌های مثبت و جذابی داشته باشد تا مردم به سمت برنامه‌های ماهواره‌ای کشیده نشوند. اگر جلوی ولنگاری‌ها گرفته شود معتقدم نسل سوم بسیار بهتر از گذشته در صحنه خواهد بود.

حضرت امام در منشور روحانیت خودشان بحثی را درباره ولایتی‌های بی‌ولایت مطرح می‌کنند و می‌گویند که این افراد به نوعی تیشه به ریشه انقلاب می‌زنند. در شرایط کنونی به نظر می‌رسد اینان فعالیت خود را تشدید کردند. نظر شما در این زمینه چیست؟

متأسفانه در بخشی از روحانیت شاهد بی‌نظمی بودیم و هستیم. نظم در همه اقشار باید وجود داشته باشد. در شرایط فعلی ظاهرا از آزادی‌هایی که بعد از انقلاب به دست آمده، عده‌ای سوءاستفاده کردند. مثل همه اقشار، افراط و تفریط‌هایی در بخش‌هایی از روحانیت وجود دارد. حضرت امیرمومنان (ع) هم به این موضوع اشاره دارند که دانشمندان فاسق و جاهلانی که خود را عابد و زاهد جلوه می‌دهند دو دسته از مردمی هستند که بسیار ایشان را آزار داده‌اند. همچنین ایشان در فرمایش دیگری از دوستانان غلوکننده و دشمنان ناصبی خود ابراز نارضایتی کردند. در دوره ما نیز چنین افراط و تفریط‌هایی وجود دارد. رهبر معظم انقلاب از تسنن آمریکایی و تشیع لندنی سخن گفتند. داعش و وهابیت از مصادیق تسنن آمریکایی است و تشیع لندنی هم کسانی هستند که درباره ائمه غلو می‌کنند و مروج خرافاتی مثل قمه زنی هستند. عزاداری باید در حد و اندازه‌ای باشد که با شئون ولایت و امامت سازگار باشد. بدعت‌ها در این کار قابل پذیرش نیست و با شأن اهل بیت نمی‌خواند. اینها از تشیع واقعی فاصله گرفته اند و با کارهایی که می‌کنند باعث تفرقه میان اهل تسنن و شیعیان می‌شوند. البته ملاحظات وجود دارد که نظام نمی‌خواهد با آنها برخورد تندی داشته باشد. امیدواریم روحانیت آگاه معرف شایسته‌ای برای معرفی اسلام ناب باشد تا زمینه جذب جوانان به دین و جلوگیری از گرایش به خرافه فراهم شود. از سوی دیگر برخی قرائت‌ها از دین بعضا با ضروریات اسلام همخوانی ندارد؛ مثلا موضوعاتی که عصمت معصومین را زیر سوال می‌برد. مسئولان در این زمینه باید پیش از پیش بیدار باشند و مشکلات مردم را حل کنند. لزومی ندارد مسئولان وارد یک سلسله مسائل اعتقادی شوند که مطرح کردن آن ضرورتی ندارد. اینها مباحثی علمی است که باید در حوزه‌های علمی پیرامون آن بحث کرد. نتیجه طرح چنین مباحثی جز تزلزل عقاید مردم چیز دیگری نیست. این‌گونه نیست که مردم از ائمه معصومین (ع) انتقاد می‌کردند بلکه شیعیان سوال خود را از امامان می‌پرسیدند و پاسخ لازم را دریافت می‌کردند. هیچ شیعه‌ای از ائمه انتقاد نکرده بود چون پیامبر و ائمه را معصوم می‌دانند. در مجموع مردم و مسئولان باید سراغ اسلام ناب بروند تا از افراط و تفریط برحذر بمانند.

فتاح غلامی

سیاسی